

تنها شاهد ایرانی انقلاب فرانسه

● نشر تاریخ ایران به‌تازگی کتاب «روزنامه سفارت میرزا محمدعلی شیرازی به فرانسه در عهد محمدشاه قاجار» را روانه بازار نشر کرده است. میرزا محمدعلی خان شیرازی وزیر امور خارجه ایران در اوایل پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار است. محمدعلی خان در شیراز متولد شد. سال تولد او را ۱۱۸۶ ذکر کرده‌اند. او فرزند آقا محمداسماعیل استاد، رئیس صنف بزازها و بزرگ اصناف شیراز و برادرزاده میرزا ابوالحسن خان ایلچی و از خاندان اعتمادالدوله فارس بوده است. او آگاه به علوم قدیمه بوده، خطی خوش داشته و از تحصیلات مناسب دریاریان آن روزگار بهره برده است. محمدعلی خان زبان فرانسه را آموخت و مدتی هم در هندوستان به سیاحت پرداخته است. همراه با میرزا ابوالحسن‌خان در عهد لویی هجدهم، در سال‌های ۱۲۳۴–۱۲۳۵ از راه استانبول و وین به مأموریت سیاسی به فرانسه و انگلستان سفر کرد. این مأموریت به دلیل جلب حمایت انگلیسی‌ها صورت گرفت که پس از سقوط ناپلئون، ایران در نظرشان دیگران اهمیت حیاتی پیشین را نداشت. میرزا محمدعلی خان به‌عنوان پنجمین وزیر خارجه ایران و نخستین وزیر خارجه در عهد ناصرالدین شاه شناخته می‌شود. هم‌زمان با عهده‌داربودن وزارت خارجه، ریاست دارالفنون نیز به او محول شد و او نخستین رئیس دارالفنون بوده است. از آنجاکه در ابتدای تأسیس دارالفنون سرورکار معلمان اروپایی در اداره امور مدرسه با وزارت خارجه بوده و وزارت خارجه به چنین اموری رسیدگی می‌کرده، محمدعلی خان هم‌زمان با وزارت خارجه، ریاست دارالفنون را نیز باید عهده‌دار می‌بود که البته یک ماه‌واندی بیش ناپاید و او در ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۲۶۸ درگذشت. تا دوره ناصری سفارت‌نامه‌نویسی امری رایج و معمول در میان ایرانیان نبود و روزنامه «سفارت میرزا محمدعلی شیرازی به فرانسه در عهد محمدشاه قاجار» یکی از اولین آثاری است که در قالب سفرنامه نوشته شده است. میرزا محمدعلی‌خان در تصویب معاهده دوم «ارزروم» و معاهده یازگانه با فرانسه که در دوره محمدشاه نقش مهمی داشت و بخش مهمی از این کتاب ارتباطی مستقیم با تصویب این دو معاهده دارد. این سفارت‌نامه روند تصویب و سرانجام این دو موافقت‌نامه را تشریح می‌کند و جزئیات فراوانی را از آن روشن می‌کند. یکی دیگر از نکات جالب این کتاب، نسخه دست‌نویس این اثر و تصویری است که از میرزا محمدعلی خان شیرازی در آن به چاپ رسیده است. این اسناد از مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه به دست آمده است. در مقدمه کتاب کوشیده شده براساس مدارک و منابع، شخصیت این دولتمرد کمتر شناخته‌شده قاجاری معرفی شود و نیز به بررسی نقش حساس او در معاهده دوم ارزنه‌اروم پرداخته شود. از او در سایه عموی ناتنی -میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی- در منابع قاجاری به‌ندرت و گاه به بدی یاد شده است. در جریان تصویب عهدنامه ارزروم، او را خیانت‌پیشه و رشوه‌خوار خوانده‌اند. ازاین‌رو مصحح کوشیده تا نقش میرزا محمدعلی خان را در روند تصویب این عهدنامه در حد امکان به‌طوردقیق بررسی کند. این کتاب پس از مقدمه در سه بخش به نقش میرزا محمدعلی خان شیرازی در معاهده دوم ارزش‌اروم، مأموریت فرانسه و سفارت‌نامه فرانسه می‌پردازد. گزارش میرزا محمدعلی خان شیرازی از اقامت در استانبول، روزنامه سفارت میرزا محمدعلی خان شیرازی در فرانسه و گزارش میرزا محمدعلی‌خان شیرازی از انقلاب ۱۸۴۸ م در فرانسه نیز ذکر شده و در پایان تصویری از این اسناد در کتاب گنجانده شده است. گزارش نخست از آن‌رو آورده شده که با شرح سفر او به فرانسه پیوند می‌خورد و فصلی از سفارت‌نامه نوشت. او هر دو گزارش برای حاجی‌میرزا آقاسی نوشته شده؛ چون حاجی از او خواسته بود جزئیات مأموریتش را برای او بازگو کند. گزارش دوم نشان از توجه میرزا محمدعلی خان به انقلاب مهم فرانسه دارد که منجر به سقوط نظام سلطنت و روی‌کارآمدن دولت جمهوری دوم فرانسه شد. او نباید تنها ایرانی باشد که شاهد عینی انقلاب فرانسه بوده و شرحی کوتاه از اوضاع آن برمه ارائه داده است. افزون‌براین، این شرح کوتاه می‌تواند موزه‌های سفارت‌نامه او باشد؛ چراکه این اتفاق تقریباً پس از مأموریتش در فرانسه روی می‌دهد و یکی از دلایل ناکامی سیاسی مأموریتش محسوب می‌شود. در بخشی از کتاب درباره معاهده ارزروم آمده: «... چنان‌که گذشت، سرحدات دولتین ایران و عثمانی را مواد دوم و سوم معاهده مشخص و معین می‌کند. به این معنی که محصره و لنگرگاه و جزیره الخضر و اراضی طرف چپ شط‌العرب و همچنین اراضی شرقی جبالیه زهاب به حکم صریح جمعا ملک ایران می‌باشد و ایران نیز از حقوق خود نسبت به سلیمانیه به کلی چشم می‌پوشد و دولتین تا تعیین خط سرحدی به موجب همان قرارداد باید «وضع موجود» (استاتوکو) را حفظ و رعایت نمایند. طی مذاکراتی که درخصوص فصول و مواد این قرارداد جریان داشته است، مدت‌ها برای برداشتن و تغییر کلمه «موقوف» گفت و شنود به میان آمد، تا عاقبت به جای آن کلمه «ترک» را گذاشتند تا هیچ‌گونه ابهامی باقی نگذار که موجب سوءتعبیر شود»

روزنامه‌سفارت میرزا محمدعلی‌شیرازی در عهدقاجار به‌کوشش مهدی موسوی نشر تاریخ ایران



عظیم محمودآبادی: مدتی بود وب‌سایت «نشر نی»، تصویر مجلد جدیدی از دکتر داود فیرحی با عنوان «مفهوم قانون در ایران معاصر» را در پیشخوان خود قرار داده بود. تصویری که نویدبخش پژوهشگران و علاقه‌مندان تحولات فکری تاریخ معاصر ایران بود. مشتاقان رسیدن این اثر به بازار کتاب اما با رسیدن خبری تلخ و بهت‌آور پیش از اینکه بار دیگر بر خوان فکری فیرحی بنشینند، لاجرم در سوگ و ماتمش نشستند. در یکی از همین روزهایی که ویروس منحوس، جان چندصد نفر را می‌ستاند، ناگهان فضای رسانه‌ای و صفحات مجازی پر شد از تصویری؛ تصاویری که مثل همیشه با لیخندی ملیح، امید از نگاهش می‌بارید، هرچند این‌بار عبارت «انا لله و انا الیه راجعون» خبر از هجرت بی‌ بازگشتش می‌داد. آری او پیش از آنکه بار دیگر با اثری فاخر، درکمان را نسبت به تحولات فکری بخش دیگری از تاریخ معاصر کشورمان بیپریاد و بیالاید، جان‌مان را در اندوه

فقدانش فرو برد. اما آن مصیبت تلخ، چیزی از تلاؤل و طراوت این اثر تازه و پژوهش درخشان کم نمی‌کند؛ هرچند حسرت‌مان را بیشتر کرده باشد. پژوهشی که هدفش کاوش درباره سرچشمه‌ها، ابعاد و زوایای نظم جدیدی است که «قانون» نامیده می‌شود؛ همان «یک کلمه‌ای» که به زعم نویسند «مهم‌ترین واژه در ایران معاصر» است. کلمه‌ای که اکنون دو قرنی می‌شود که به محور و مدار مناقشه درباره سیاست، دین و تجدد تبدیل شده است.

موضوع و ابعاد پژوهش این اثر

فیرحی در این پژوهش به سرشت و سرنوشت قانون از بحران تا فروپاشی نظم سنتی در ایران پیشامشروطه می‌پردازد؛ سرگذشتی طولانی و پرفرازونشیب که از پایان صفویه (۱۰۱۱ش) تا جنبش مشروطه‌خواهی (۱۲۸۵ش) و آغاز دولت مدرن در ایران را در بر می‌گیرد. او علت اینکه چرا نقطه آغاز خود را عصر صفوی قرار داده به اهمیت این دوره اشاره می‌کند و می‌نویسد: «زدیگ‌ترین مرجع برای ترسیم حکمرانی سنتی در ایران البته سلطنت صفویه است». از مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر توجه او به الهیات سیاسی منتفکران عصر پیشامشروطه است؛ سبک و سیاقی که ما در کتاب دوجلدی «فقه و سیاست در ایران معاصر» نیز شاهد بودیم. در «مفهوم قانون در ایران معاصر»، الهیات سیاسی ایران در دوره‌های صفوی و قاجار مورد توجه و تمرکز قرار گرفته است. الهیاتی که در هر دو این دوره‌ها – صفویه و قاجار– حکومت به تعبیر فیرحی بر مربع نبوت، امامت، فقاقت و سلطنت استوار شده است؛ «اندیشه شیعه حکومت آرمانی را به عهده امام معصوم می‌نهد و حکمرانی در غیبت معصوم را بر دو پایه قلم و شمشیر، قاضی و مجری، مجتهد و سلطان می‌داند. اما نسبت این دو و اینکه کدام بر دیگری تقدم و اولویت دارد، مناقش‌های طولانی و البته بی‌پایان است».

نسبت میان قانون و شرع در ایران معاصر

اما محوری‌ترین دغدغه این پژوهش بررسی نسبت میان قانون با شرع است؛ دو مسئله‌ای که نویسنده در سراسر این پژوهش – که در آن به بررسی دوره‌های متنوع تاریخ معاصر ایران پرداخته – به نوعی درصدد بیان نسبت میان آنها است. البته همان‌طورکه اشاره شد، هرچند مرکزیت این پژوهش بر تاریخ معاصر استوار است اما خواننده را به پیشینه این مسئله در عصر صفوی آشنا می‌کند و دراین‌میان هم به آرا و نظرات متفکرانی مانند ملاصدرا و ملامحسن فیض‌کاشانی می‌پردازد. درواقع اگر پیش از این در کتاب «فقه و سیاست در ایران معاصر» با اندیشه سیاسی فقهایی چون آخوند خراسانی، میرزای نائینی، شیخ فضل‌الله نوری، شهید صدر، آیت‌الله قاتانی و ... از طریق شناخت نسبتی که هر یک از آنها میان انسان و خدا قائل‌اند – آشنا شدیم در «مفهوم قانون در ایران معاصر» شاهد آرا و نظرات شخصیت‌ها و متفکران مختلف از ملاصدرای شیرازی و ملامحسن فیض‌کاشانی گرفته تا قائم‌مقام فراهانی، امیرکبیر، عباس میرزا، آخوندزاده، میرزاآقاخان کرمانی، طالبوف، سیدجمال‌اسدآبادی و ... درباره شریعت اسلام و دستورات فقهی آن از سویی و نسبت میان شریعت و قانون از سوی دیگر هستیم. البته ابعاد این پژوهش به‌همین‌اندازه محدود و منحصر نمی‌ماند و هرکجا ضرورت داشته، ریشه‌های تحقیق خود را به زمان‌های دورتر و بازخوانی متفکران پیشین هرکدام از نحله‌های متاخری که

موضوع اصلی این تحقیق بوده، برده است.

الهیات «شفا»ی ابن‌سینا و بنیادهای استبداد

برای نمونه نویسنده وقتی درصدد بیان نظرات ملاصدرا و ملامحسن فیض است، تصریح می‌کند

که گفتمان آنها در عصر صفوی، همان گفتمان رسمی و رایج تشیع در دوره‌های قبل و بعد از آن است. اینجا است که وی، پای ابن‌سینا و الهیات

کتاب «شفا»ی او را نیز به پژوهش خود باز می‌کند و می‌نویسد: «به نظر شیخ‌الرئیس، وجود شخصیتی با ویژگی‌های یک پیامبر کمتر ممکن است در هر زمانی تکرار شود. به همین دلیل نیز بر پیامبر واجب است که تدبیری عظیم برای بقای سنت و دوام قانون و شریعتی نماید که امور مصالح انسانی بدان بسته است. مهم‌ترین این تدابیر، استمرار یاد خدا و معاد در ذهن مردم و فراموش‌نشدن این دو پس از رحلت پیامبر است؛ شریع عبادت ناشی از چنین

فقدانش فرو برد. اما آن مصیبت تلخ، چیزی از تلاؤل و طراوت این اثر تازه و پژوهش درخشان کم نمی‌کند؛ هرچند حسرت‌مان را بیشتر کرده باشد. پژوهشی که هدفش کاوش درباره سرچشمه‌ها، ابعاد و زوایای نظم جدیدی است که «قانون» نامیده می‌شود؛ همان «یک کلمه‌ای» که به زعم نویسند «مهم‌ترین واژه در ایران معاصر» است. کلمه‌ای که اکنون دو قرنی می‌شود که به محور و مدار مناقشه درباره سیاست، دین و تجدد تبدیل شده است.

موضوع و ابعاد پژوهش این اثر

فیرحی در این پژوهش به سرشت و سرنوشت قانون از بحران تا فروپاشی نظم سنتی در ایران پیشامشروطه می‌پردازد؛ سرگذشتی طولانی و پرفرازونشیب که از پایان صفویه (۱۰۱۱ش) تا جنبش مشروطه‌خواهی (۱۲۸۵ش) و آغاز دولت مدرن در ایران را در بر می‌گیرد. او علت اینکه چرا نقطه آغاز خود را عصر صفوی قرار داده به اهمیت این دوره اشاره می‌کند و می‌نویسد: «زدیگ‌ترین مرجع برای ترسیم حکمرانی سنتی در ایران البته سلطنت صفویه است». از مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر توجه او به الهیات سیاسی منتفکران عصر پیشامشروطه است؛ سبک و سیاقی که ما در کتاب دوجلدی «فقه و سیاست در ایران معاصر» نیز شاهد بودیم. در «مفهوم قانون در ایران معاصر»، الهیات سیاسی ایران در دوره‌های صفوی و قاجار مورد توجه و تمرکز قرار گرفته است. الهیاتی که در هر دو این دوره‌ها – صفویه و قاجار– حکومت به تعبیر فیرحی بر مربع نبوت، امامت، فقاقت و سلطنت استوار شده است؛ «اندیشه شیعه حکومت آرمانی را به عهده امام معصوم می‌نهد و حکمرانی در غیبت معصوم را بر دو پایه قلم و شمشیر، قاضی و مجری، مجتهد و سلطان می‌داند. اما نسبت این دو و اینکه کدام بر دیگری تقدم و اولویت دارد، مناقش‌های طولانی و البته بی‌پایان است».

نسبت میان قانون و شرع در ایران معاصر

اما محوری‌ترین دغدغه این پژوهش بررسی نسبت میان قانون با شرع است؛ دو مسئله‌ای که نویسنده در سراسر این پژوهش – که در آن به بررسی دوره‌های متنوع تاریخ معاصر ایران پرداخته – به نوعی درصدد بیان نسبت میان آنها است. البته همان‌طورکه اشاره شد، هرچند مرکزیت این پژوهش بر تاریخ معاصر استوار است اما خواننده را به پیشینه این مسئله در عصر صفوی آشنا می‌کند و دراین‌میان هم به آرا و نظرات متفکرانی مانند ملاصدرا و ملامحسن فیض‌کاشانی می‌پردازد. درواقع اگر پیش از این در کتاب «فقه و سیاست در ایران معاصر» با اندیشه سیاسی فقهایی چون آخوند خراسانی، میرزای نائینی، شیخ فضل‌الله نوری، شهید صدر، آیت‌الله قاتانی و ... از طریق شناخت نسبتی که هر یک از آنها میان انسان و خدا قائل‌اند – آشنا شدیم در «مفهوم قانون در ایران معاصر» شاهد آرا و نظرات شخصیت‌ها و متفکران مختلف از ملاصدرای شیرازی و ملامحسن فیض‌کاشانی گرفته تا قائم‌مقام فراهانی، امیرکبیر، عباس میرزا، آخوندزاده، میرزاآقاخان کرمانی، طالبوف، سیدجمال‌اسدآبادی و ... درباره شریعت اسلام و دستورات فقهی آن از سویی و نسبت میان شریعت و قانون از سوی دیگر هستیم. البته ابعاد این پژوهش به‌همین‌اندازه محدود و منحصر نمی‌ماند و هرکجا ضرورت داشته، ریشه‌های تحقیق خود را به زمان‌های دورتر و بازخوانی متفکران پیشین هرکدام از نحله‌های متاخری که

این نکته قابل‌توجه است که حدود ربع حجم این پژوهش به ترسیم شاکله کلی الهیات سیاسی عصر صفوی و ریشه‌های آن در دوران‌های متقدم‌تر اختصاص یافته و بعد از آن است که وارد دوران قاجار – که هدف اصلی این پژوهش معطوف به این دوره است – می‌شود؛ دورانی که فیرحی آن را «عصر تناقض‌ها» می‌نامد؛ «دوره قاجار عصر تناقض‌ها است. عصر تداخل سنت و تجدد است.

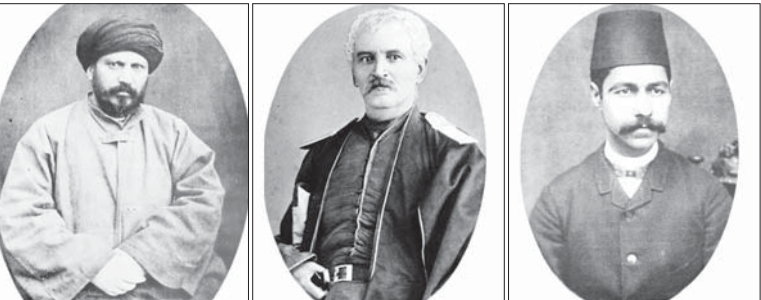
نگاهی به آخرین کتاب داود فیرحی که پس از درگذشتش منتشر شد

مفهوم «قانون» در الهیات سیاسی پیشامشروطه



بسیاری وجوه حکمرانی سنتی، نه‌تنها حفظ شدند بلکه توسعه یافتند. درعین‌حال، وجوهی از تجدد، با ویژگی‌های یک پیامبر کمتر ممکن است در هر زمانی تکرار شود. به همین دلیل نیز بر پیامبر واجب است که تدبیری عظیم برای بقای سنت و دوام قانون و شریعتی نماید که امور مصالح انسانی بدان بسته است. مهم‌ترین این تدابیر، استمرار یاد خدا و معاد در ذهن مردم و فراموش‌نشدن این دو پس از رحلت پیامبر است؛ شریع عبادت ناشی از چنین

فیرحی با اشاره به افزایش نفوذ سیاسی



حکمتی است که موجب قرب خداوند و نفوذ و دوام یاد او در دل‌ها می‌شود». البته نشان‌دادن این‌همانی الهیات حکمای متأخری چون صدرالمতالین با الهیات حکمای متقدمی چون شیخ‌الرئیس، نتیجه‌ای نیست که پژوهشگر به آن بسنده کرده باشد بلکه در لابه‌لای سطور پژوهش خود به ریشه‌شناسی استبداد در الهیات سنتی با سرنمونی ابن‌سینا دست می‌زند: «... شیخ‌الرئیس بدین‌سان بر ماهیت قراردادی شهر و خانواده نظر دارد و از این حیث با وجوهی از اندیشه مدرن همسو می‌نماید. اما قرارداد او نه بر مبنای برابری بنیادین خلق‌الله بلکه آشکارا بر بنیاد نابرابری نوع بشر استوار است. به همین دلیل هم، فلسفه سنتی مسلمانان از ورود به زندگی دموکراتیک بازماند و شهری بر بنیاد نظامی نابرابر ساخت. سنت فلسفی ما نابرابری و اقتدارگرایی منتج از چنین نظمی را مشروع دانست و البته حمایت و تداوم بخشید. الهیات سنتی ما اگر نقدی هم داشت، بر مستبد بود و نه بر بنیاد استبداد که بنا بر تعریف ریشه در باور به نابرابری بنیادی نوع بشر دارد».

دوره قاجار؛ عصر تناقض‌ها

این نکته قابل‌توجه است که حدود ربع حجم این پژوهش به ترسیم شاکله کلی الهیات سیاسی عصر صفوی و ریشه‌های آن در دوران‌های متقدم‌تر اختصاص یافته و بعد از آن است که وارد دوران قاجار – که هدف اصلی این پژوهش معطوف به این دوره است – می‌شود؛ دورانی که فیرحی آن را «عصر تناقض‌ها» می‌نامد؛ «دوره قاجار عصر تناقض‌ها است. عصر تداخل سنت و تجدد است.

را نه در دولت بلکه در دین یای درک جامعه از آن می‌دیدند».

بازخوانی آرای نخبگان پیشامشروطه و نقد خوانش‌های پیشین

فیرحی تنها به بازخوانی متون برجای‌مانده از نخبگان عصر پیشامشروطه بسنده نمی‌کند و در خلال تحلیل خود، نیم‌نگاهی هم به خوانش‌های پیشین از این متون دارد؛ نگاهی که گاه با تأیید و تصدیق و گاه با تردید و تشکیک همراه است. برای نمونه وقتی بحث او به آخوندزاده می‌رسد، با نقل



گزراه‌ای تحلیلی از فریدون آدمیت، مدعی او در خصوص آنتیست‌بودن آخوندزاده را به چالش می‌کشد. مهم‌تر اینکه نویسنده، اساسا بخشیدن بعد فلسفی و الهیاتی به آرا و آثار شخصیتی چون آخوندزاده را خطایی می‌داند که آدمیت به او مبتلا شده است. بنابراین فیرحی اولاً با نشان‌دادن شواهدی کافی، سعی می‌کند برخی بی‌دقتی‌ها در خوانش‌های پیشین از آخوندزاده را روشن و اصلاح کند. ثانیاً بر این مسئله روشن تأکیدی مجدد می‌کند که آخوندزاده اساسا بیش از آنکه فیلسوف و حتی اهل تعقل اجتماعی به‌معنای فلسفی کلمه باشد، منتقدی اجتماعی در حوزه عمومی است».

بایبه، بهائیت و مشروطه

یکی از نقاط قوت این پژوهش، تحلیلی است که نویسنده از بایبه و بهائیت، اندیشه سیاسی آنها و نسبت‌شان با مشروطه ارائه می‌دهد. او با بررسی آرای بایبان معتقد است آنها نگاهی قدسی به حکومت دارند و با پیوند میان نبوت و سلطنت، از «ولایت کلیّه» چنین حاکمی سخن می‌گویند «که کم‌ترین ملک به‌ویژه تجدد سیاسی و مقتضیات دولت مدرن، نیز سر برآوردند و تثبیت شدند. نتیجه این وضعیت البته بحران و بی‌قراری در هر دو سوی حکمرانی سنتی و جدید است».

علل افزایش اقتدار سیاسی روحانیت در عصر قاجار

بسیاری وجوه حکمرانی سنتی، نه‌تنها حفظ شدند بلکه توسعه یافتند. درعین‌حال، وجوهی از تجدد، با ویژگی‌های یک پیامبر کمتر ممکن است در هر زمانی تکرار شود. به همین دلیل نیز بر پیامبر واجب است که تدبیری عظیم برای بقای سنت و دوام قانون و شریعتی نماید که امور مصالح انسانی بدان بسته است. مهم‌ترین این تدابیر، استمرار یاد خدا و معاد در ذهن مردم و فراموش‌نشدن این دو پس از رحلت پیامبر است؛ شریع عبادت ناشی از چنین

نواندیشان دینی عصر پیشامشروطه

اندیشه‌های نواندیشان دینی تجددخواه با سرنمونی سیدجمال‌الدین اسدآبادی، فصل دیگری از این پژوهش است. فصلی که در تضاد با آرای امثال آخوندزاده، میرزاآقاخان کرمانی و ... قرار دارد. چنانکه اشاره شد در دوره پیشامشروطه، ذهن نخبگان درگیر علل مقب‌ماندگی جامعه ایران بود. مسئله و معضل واحدی که دو تشخیص و راهکار متضاد را پی داشت؛

۱- تشخیصی که کسانی چون آخوندزاده داشتند، مبتنی بر اینکه عامل انحطاط ایران، در دین اسلام و باور جامعه به گزاره‌های آن نهفته است. ۲- تشخیصی که افرادی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی به آن قائل بودند؛ آنها از فضا علت انحطاط جوامع اسلامی را دورافتادگی مسلمین از اصل شریعت و سرچشمه‌های اصیل آموزه‌های اسلام و فاصله‌گرفتن از مسلمانی راستین می‌دانستند.

بر همین اساس بود که آخوندزاده از «ضرورت انهدام دین اسلام» سخن می‌گفت و سیدجمال از «ضرورت بازگشت به آموزه‌های راستین اسلام». البته در این میان بودند افرادی که راه سومی را در پیش گرفتند؛ راهی که در واقع ترکیب و آمیزه‌ای از آموزه‌های سیدجمال و اندیشه‌های آخوندزاده بود. چنانکه فیرحی میرزاآقاخان کرمانی را – دست‌کم در دوره‌ای از زندگی منورالفکری‌اش– بر سبیل همین طریق سوم می‌داند. «مفهوم قانون در ایران معاصر»، آخرین کتابی است که از مرحوم دکتر داود فیرحی – استاد سابق علوم سیاسی دانشگاه تهران – به همت «نشر نی» منتشر شده است. این اثر دارای مجلد دومی نیز هست تحت عنوان «دولت مدرن و بحران قانون؛ چالش قانون و شریعت در ایران معاصر» که در آستانه انتشار قرار دارد و توسط انتشارات «نشرنی» منتشر خواهد شد.

۱- «مفهوم قانون در ایران معاصر»، داود فیرحی، نشر نی، چاپ اول؛ ۱۳۹۹، ص ۴۷ / ۲- همان، ص ۱۷ / ۳- همان، ص ۵۵ / ۴- همان، ص ۵۶ / ۵- همان، ص ۸۳ / ۶- همان، ص ۸۳ / ۷- همان، ص ۲۲۲ / ۸- همان، ص ۲۲۳ / ۹- همان، ص ۲۲۶ / ۱۰- همان، ص ۲۲۷ / ۱۱- همان، ص ۲۲۳ / ۱۲- همان، ص ۲۳۹ / ۱۳- همان، ص ۲۴۰

● عهد عتیق کتابی بسیار کهن است. نه‌تنها کهن است بلکه نگارش آن هم بسیار به طول انجامیده است. بسیاری از داستان‌های مهم آن بارها و بارها نقل شده و در ادوار مختلف به نگارش درآمده است. طبیعتاً در هر دوره‌ای به فراخور فهم خود از داستان چیزی به آن افزوده شده است. این موضوع همان‌طورکه درباره موسی صدق می‌کند، درباره دیگر شخصیت‌های بزرگ عهد عتیق هم صادق است. بیشتر آنچه از او می‌دانیم حاصل آثار کسان

است که نه در زمانه موسی بلکه در ادوار بعد از او می‌زیسته‌اند. در روایاتی که امروزه در اختیار داریم، سیمای موسی را آن‌گونه که در روح و ایمان همین ادوار انعکاس یافته است، می‌بینیم. کتاب «موسی» نوشته گره‌ارت فون‌راد که به‌تازگی به همت نشر ققنوس منتشر شده نما و طرح مختصری از الهیات عهد عتیق ارائه می‌دهد. این کتاب اگر چه عنوان موسی را بر خود دارد، به تمامی به حیات موسی نمی‌پردازد بلکه آن را جزئی از سنت و تاریخ دین قوم اسرائیل می‌داند. کتاب از پنج فصل و دو مقدمه نویسنده و مترجمان، یک یادداشت ویراستار انگلیسی و یک پیشگفتار نویسنده تشکیل شده است.

مترجمان در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته‌اند، ابتدا به معرفی نویسنده و در ادامه به معرفی فصول کتاب پرداخته‌اند. فون‌راد می‌گوید سنت‌ها و داستان‌های مربوط به موسی با وجود اهمیت فراوان شخصیت و حیات او، در اصل و اساس قالبی هستند برای طرح و روایت اعمال نجات‌بخش عظیمی که خدا برای قوم خویش انجام داد. نویسنده در فصل نخست با تکیه بر تاریخ سنت‌های مربوط به موسی، دو ویژگی اصلی او را شناخته‌است به کلی بشری و برخوردار از مقام میانجی با شفیع می‌داند. او با داشتن همین شخصیت تماماً بشری است که روح خدا را دریافت می‌کند و مأمور هدایت قوم به سرزمین موعود می‌شود و باز به سبب داشتن همین شخصیت است که قوم در بعضی مواقع با او به جدال و مخالفت برمی‌خیزند و انکارش می‌کنند.

افزون‌براین، موسی میانجی خدا و قوم و شفیع قوم نزد خداست. او پیش از مرگ بارها نزد خدا شفاعت می‌کند تا گناهان قوم بخشوده شود و در نهایت نیز در سفر تنبیه می‌بینیم که تقاص گناهان قوم را می‌دهد تا ایشان بتوانند به سرزمین موعود وارد شوند و او خود در تهایی و محروم می‌رود به این سرزمین در مواب وفات می‌یابد. فون‌راد پس از معرفی کوتاه از شخصیت موسی، طرح کلی کتاب را پیش می‌گیرد و به موضوع انکشاف نفس خدا می‌پردازد و انکشاف نفس خدا عبارت از آن است که او در افعالش خود را می‌شناساند. افعال خدا نیز برآمده از اراده نجات‌بخش او است. او در انکشاف نفس از اختفای خویش بیرون می‌آید تا در مقام خدایی رحیم و فعال برای نجات قوم خویش عمل کند. مسئله‌ای که در فصل سوم بررسی می‌شود این است که خدایی که اینک خود را شناسانده و برای قوم اعمالی نجات‌بخش انجام داده است، از آنان مطالبه هم دارد، زیرا با ایشان رابطه‌ای مبتنی بر عهد برقرار کرده است. خدا این مطالبات خود را در فرامین ده‌گانه بیان کرده است. فون‌راد معتقد است که از میان این فرامین، دو فرمان نخست اهمیت بیشتری دارند. در این دو فرمان از قوم خواسته می‌شود که رابطه‌ای مبتنی بر توکل و پرستش صادقانه و وفادارانه با پیهو و فقط پیهو داشته باشد و هرگز به هیچ طریقی از او صورت نسازند و بدین‌سان او را از عالم خلقت نگشایند. پیهو خدایی متعال و مقدس است و هیچ پدیده مخلوقی نمی‌تواند صورت او باشد. فون‌راد در فصل چهارم به طرح و پاسخ‌گویی به این پرسش برمی‌آید که مضمون فرامین داده شده به قوم چیست یا به‌عبارت‌دیگر هر چگونه

این فرامین را می‌فهمند. از نظر آنان این فرامین نمود اراده لطفاًآمیز و فیض بخش خداست؛ اراده بر اینکه قوم خود را از بندی مصریان برهاند تا تحت حمایت کامل او زندگی کنند. قوم معتقدند اطاعت از فرامین وزیست در محضر خداست که حیات راستین به با می‌آورد. فرامین برای قوم نوعی وعده‌های او به فراخوان به مقدس‌بودن و مقدس‌بودن یعنی قوم در تمام ساحات حیات و هستی خود صادقانه و وفادارانه طبق فرامین پیهو زندگی کنند. در فصل پنجم، تحقق وعده‌های خدا به قوم بررسی می‌شود زیرا در عهده‌ی که میان خدا و قوم بسته شده است، افزون بر مطالبات او قوم، وعده‌های او به ایشان نیز آمده است. فون‌راد معتقد است که شش کتاب نخست مقدس عبرانی براساس طرح کلی وعده پیهو به قوم و تحقق از وعده نوشته شده است. یعنی در سفر پیدایش و در داستان‌های پدران قوم می‌بینیم که پیهو به ایشان وعده سرزمین و عقبای می‌دهد و ابراهیم و اسحاق و یعقوب و پس از ایشان نیز تمام قوم به بهبری موسی و یوشع رهسپار سرزمین موعود می‌شوند که در نهایت در کتاب یوشع قوم این سرزمین را فتح می‌کنند و در آن ساکن می‌شوند. آنچه در طول سال‌های دراز رهسپاری به‌سوی سرزمین موعود مهم است و نقش تعیین‌کننده دارد، توکل و اتکای محض به قدرت و عنایت پیهو است.



موسی
گره‌ارت فون‌راد
ترجمه: فاطمه مبنائی
و محمد مبنائی
ناشر: ققنوس